



درس هفدهم : سپیده دم

۱- تو را «جنوب» نامیدم / ای که ردای حسین را بر دوش / و خورشید کربلا را در بر داری / ای سرخ گل که فداکاری پیشه کردی / ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان برین / پیوند خورده‌ای / ای سرزمینی کز خاکت / خوشه‌های گندم می روید / و پیامبران برمی خیزند.

قلمرو زبانی: بر: کنار، آغوش / دوش: شانه / پیشه: شغل

قلمرو ادبی: «ردای حسین را بر دوش داشتن»، «خورشید کربلا را در بر داشتن»: کنایه از ادامه دادن راه امام حسین(ع) / خورشید کربلا: استعاره از امام حسین(ع) / بر (حرف اضافه) - بر (آغوش) : جناس همسان / تلمیح به داستان کربلا / ای سرخ گل...: تشخیص / گندم: نماد نعمت و حاصلخیزی

قلمرو فکری: تو را جنوب لبنان نامیدم / ای سرزمینی که در شهادت طلبی و مبارزه پیرو امام حسین(ع) هستی / و حقیقت کربلا در تو نهفته است / ای گل سرخی که مشغول فداکاری هستی / ای انقلاب زمینی که با

انقلاب آسمانی / متصل شده‌ای / ای سرزمینی که از خاک تو / مبارزان برمی خیزند / و پیغمبران را در خود پرورش داده‌ای.

۲- تو را جنوب نامیدم / ای کشتی‌های صیادی که مقاومت پیشه کرده‌اید / ای ماهی دریا که مقاومت پیشه کرده‌ای / ای دفترهای شعری که مقاومت پیشه کرده‌اید / ای روزهای عاشورا!
قلمرو زبانی: صیادی: ماهیگیری

قلمرو ادبی: کشتی‌های صیادی: مجاز از ماهی گیران و ملوانان / ای ماهی دریا... تشخیص / دفترهای شعری: مجاز از شاعران مقاومت / ای روزهای عاشورا: تلمیح به سخن معروف «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»
قلمرو فکری: تو را جنوب لبنان نامیدم / ای کشتی‌های ماهیگیری که مشغول مقاومت هستید / ای ماهیان دریا که مشغول مقاومتید / و ای دفترهای شعر مقاومت و ای روزهای همیشه عاشورا که در برابر دشمن مقاومت می کنید.

۳- تو را جنوب نامیدم / تو را آبها و خوشه‌ها / و ستاره غروب نامیدم / تو را سپیده دمی در انتظار زاده شدن / و پیکری در اشتیاق شهادت نامیدم / تو را انقلاب و شگفتی و تغییر نامیدم / تو را پاک و پاکیزه و ارجمند و توانا نامیدم
قلمرو ادبی: آب: نماد پاکي / ستاره غروب: نماد امیدواری و آگاهی / سپیده دم: نماد امیدواری / غروب، سپیده دم: تضاد
قلمرو فکری: تو را جنوب لبنان نامیدم / تو از آب‌های دریا و خوشه‌های گندم / و ستاره ناهید ساخته شده‌ای / تو سپیده دمی هستی منتظر متولد شدن / تو کسی هستی که برای شهادت شور و شوق داری / تو از انقلاب و شگفتی و تغییر ساخته شده‌ای / تو پاک و پاکیزه و ارزشمند و توانا هستی.

۴- تو را جنوب نامیدم / ای چون سبزه برآمده از دفتر روزگاران / ای مسافر دیرین بر روی خار و درد / ای چون ستاره، فروزان / ای چون شمشیر، درخشان / بگذار بوسه ز نیم بر شمشیری که در دستان توست / بگذار گرد و خاک قدمهایت را بگیریم.

قلمرو زبانی: برآمده: رشد کرده / دیرین: کهن / فروزان: درخشان
قلمرو ادبی: «چون سبزه برآمده»، «چون ستاره فروزان»، «چون شمشیر درخشان»: تشبیه / دفتر روزگاران: اضافه تشبیهی / مسافر دیرین: استعاره از میهن / بر روی خار و درد بودن: کنایه از در رنج و دشواری بودن / بوسه زدن: کنایه از بزرگ داشتن / گرد و خاک چیزی را بر گرفتن: کنایه از گرامی داشتن
قلمرو فکری: تو را جنوب لبنان نامیدم / ای سرزمینی که مانند سبزه از میان دفتر روزگاران روئیده‌ای / و ای مسافر قدیمی دشواری و رنج / ای سرزمینی که مانند ستاره تابنده‌ای / و مانند شمشیر درخشان / بگذار به شمشیری که در دستان توست ادای احترام کنیم / بگذار گرد و خاک پاهای تو را پاک کنیم.

۵- ای سرور بارانها و فصلها، / تو را عطری نامیدم که در غنچه‌ها خانه دارد / تو را پرستو نامیدم / ای سرور سروان، / ای برترین حماسه!

قلمرو زبانی: سرور: سالار / حماسه: دلآوری و شجاعت

قلمرو ادبی: «تو را عطری نامیدم» «تو را پرستو نامیدم»: تشبیه / سرور باران و فصل: اغراق / باران : نماد طراوت و رویش / فصل : نماد تغییر و دگرگونی / پرستو : نماد بشارت و آزادی
قلمرو فکری: ای آقا و پیشوای باران‌ها و فصل‌ها/ تو مانند عطری هستی که در غنچه‌ها نهفته است/ تو مانند پرستو هستی / ای پیشوای پیشوایان / ای برترین شکل دلاوری و شجاعت.

۶- دریا متنی نیلگون است / که علی آن را می نویسد / و مریم هر شب، روی شنها / به انتظار مهدی می نشیند / و گل‌هایی را می چیند / که از انگشتان شهیدان می رویند.

قلمرو زبانی: نیلگون: آبی رنگ

قلمرو ادبی: دریا متنی نیلگون است: تشبیه

قلمرو فکری: دریا همچون متن کبود رنگی است که علی (ع) آن را نوشته و حضرت مریم هر شب روی شن‌های آن / منتظر ظهور مهدی (عج) می نشیند / و گل‌هایی را که از انگشتان شهیدان می رویند، می چیند.

۷- تاریخ، روزی، روستای کوچکی را / از روستاهای جنوب به یاد خواهد آورد / که «معرکه» خوانده می شود. / روستایی که با «صدر»ش، با سینه اش / از شرافت خاک و کرامت انسان بودن دفاع کرد

قلمرو ادبی: تاریخ: مجاز از تاریخ نویسان / خاک: مجاز از سرزمین / معرکه :ایهام (۱- میدان جنگ ۲- نام روستای معرکه زادگاه اجداد امام موسی صدر)

قلمرو فکری: تاریخ روزی آن روستای کوچک / از روستاهای جنوب را به خاطر خواهد آورد / روستایی که «معرکه» نامیده می شود. / روستایی که با امام موسی صدرش و با تمام وجودش / از خاک شریفش و بزرگواری انسان دفاع می کند.

۸- سرورم! ای سرور آزادگان! / در زمانه سقوط و ویرانی / جز تو، کسی نمانده است / که در زندگی ما نخل و عنب و ناکستان بکارد / جز تو کسی نمانده است! / مگر تو! / مگر تو! / پس درهای امید و روشنایی را به روی ما بگشای!

قلمرو ادبی: درهای امید و روشنایی: اضافه استعاری

قلمرو فکری: ای سرور انسان‌های آزاده / در روزگار تباهی و فروپاشی / غیر از تو کسی نمانده است / که در زندگی ما درخت خرما بکارد و باغ‌های انگور به وجود آورد. / تنها تو مانده‌ای / فقط تو / دوباره به ما امید و روشنایی ببخش.

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir